



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال پنجم / شماره بیستم / تابستان ۱۴۰۳



doi: 10.22034/icrs.2025.486529.1302

رویکرد عرفانی و تمدنی طریقت مرشدیه

(سده‌های چهارم تا هشتم هجری)

اعظم رحیمی جابری^۱

چکیده

شیخ ابواسحاق کازرونی، از بزرگان صوفیه نیمه دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم در کازرون بود. وی، پس از تحصیل نزد عارفان بزرگ آن زمان، طریقت ابوعبدالله محمدبن خفیف از صوفیان بزرگ شیراز را به دلیل انطباق با عقایدش برمی‌گزیند. شیخ ابواسحاق در راستای اعتقاداتش مجموعه مرشدیه را در شهر کازرون تأسیس می‌کند که در سده‌های بعد، گسترش یافت. در این راستا، نوشتار حاضر با روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی و با طرح این سؤال که، طریقت مرشدیه در کازرون از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار گشت؟ کارکرد عرفانی و سیر تحول فرهنگی اقدامات عمرانی مجموعه مرشدیه را در سده‌های چهارم، پنجم و هشتم هجری، بررسی می‌کند تا جایگاه و ارزش آن را تبیین نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه مرشدیه، بنایی با کارکردهای چندگانه شامل مسجد جامع، خانقاه و تحت السراج (اقامتگاه مریدان غریب) بود. این مجموعه، با هدف ترویج دین اسلام و دستگیری از مستمندان و مسافران شکل گرفت و با قرارگیری مقبره شیخ ابواسحاق در آن، به صورت مجموعه آرامگاهی تا قرن‌ها محل زیارت پیروان او شد. سپس در قرن هشتم هجری، شیخ امین‌الدین بلیانی (از پیروان شیخ ابواسحاق)، بناهای عام‌المنفعه دیگری نیز به آن افزود. نکته مهم در مورد این مجموعه، تأثیر قابل توجه آن بر فرایند گسترش شهر کازرون می‌باشد که مسجد جامع شهر را نیز در برمی‌گرفته است. هم‌اکنون مقبره شیخ ابواسحاق، تنها اثر باقیمانده از مجموعه مرشدیه است که به دلیل شکل و ساختار معماری ویژه خود و همچنین ارتباط آن با رفتارهای آیینی، قابل توجه است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ معماری، عرفان، کازرون، مجموعه مرشدیه، شیخ ابواسحاق کازرونی، شیخ امین‌الدین بلیانی.

A.RahimiJaberi@cfu.ac.ir

۱. استادیار گروه آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

(صفحات: ۶۲-۳۵)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ نوع مقاله: پژوهشی

The mystical and civilizational approach of the Murshidiyya Tariqat (fourth to eighth centuries of Hijri)

Aazam Rahimi Jaberi¹

Abstract

Sheikh Abu Ishaq Kazrooni was one of the great Sufis of the second half of the 4th century and the beginning of the 5th century in Kazroon. After studying with the great mystics of that time, he chooses the Tariqat of Abu Abd Allah Mohammad Bin Khafif, one of the great Sufis of Shiraz, because it conforms to his beliefs. In line with his beliefs, Sheikh Abu Ishaq established the Morshidiya complex in the city of Kazroon, which expanded in the following centuries. In this regard, the present article is written with a library and descriptive-analytical method and by posing the question that, what position and importance did the Murshidiyeh tariqat enjoy in Kazeroon? It examines the mystical function and the course of cultural evolution of the construction measures of the Morshidiya complex in the fourth, fifth and eighth centuries of Hijri, to explain its position and value.

The results of the research show that the Morshidiya complex was a building with multiple functions, including a mosque, a monastery, and Taht al-Sarraj (a residence of strange disciples). This complex was formed with the aim of promoting the religion of Islam and arresting the poor and travelers, and with the placement of the tomb of Sheikh Abu Ishaq in it, it became a place of pilgrimage for his followers as a tomb complex for centuries. Then, in the 8th century of Hijri, Sheikh Amin al-Din Belyani (one of the followers of Sheikh Abu Ishaq) added other non-profit buildings to it. The important thing about this collection is its significant impact on the expansion process of Kazeroon city, which includes the city's Grand Mosque. Currently, the tomb of Sheikh Abu Ishaq is the only remaining work of the Morshidiya complex, which is remarkable due to its special architectural shape and structure, as well as its connection with ritual behaviors.

Keywords: architectural history, mysticism, Kazron, Morshidiya collection, Sheikh Abu Ishaq Kazroni, Sheikh Aminuddin Belyani.

1. Assistant Professor of History Education Department, Farhangian University, Tehran, Iran. A.RahimiJaberi@cfu.ac.ir

مقدمه

ظهور و رشد تصوّف در فارس، از سده‌های نخستین اسلام آغاز شد و در سده‌های چهارم و پنجم هجری، صوفیان فارس در شمار پرآوازه‌ترین بزرگان عرفای آن عصر بوده‌اند. نخستین نام پرآوازه‌ای که پس از عصر جنید (م. ۲۹۷ ق) و حلاج (۳۰۹-۲۴۴ ق)، قرن چهارم هجری را تحت تأثیر خود قرارداد، شیخ کبیرابو عبدالله محمد بن خفیف (م. ۳۷۱ ق) بوده و پس از آن، شیخ ابواسحاق کازرونی (۴۲۶-۳۵۲ ق)^۱ از چنان شهرتی برخوردار شد که سالها بعد به نام او در سرزمین‌های مختلف، خانقاه‌های متعددی برپا گشت. (خیراندیش، رحیمی‌جباری، ۱۳۹۸: ۲۴۷-۲۴۱) هسته مرکزی این خانقاه با عنوان مجموعه مرشدیه در شهر کازرون واقع شده است. این مجموعه به وسیله عارف معروف، شیخ ابواسحاق کازرونی (۴۲۶-۳۵۲ ق) مؤسس طریقت مرشدیه (اسحاقیه، کازرونیّه) پایه‌گذاری شد و شیخ امین‌الدین بلیانی (۷۴۵-۶۶۸ ق) از برجسته‌ترین پیروان شیخ ابواسحاق نیز بناهای مهمی به این مجموعه افزود و اصلاحاتی در آن انجام داد. این دو عارف بزرگ، توجّه ویژه‌ای به مسائل اجتماعی داشتند؛ علاوه بر تدریس و تعلیم مریدان، با ساخت بنا و عمارت‌های متعدد موسوم به مجموعه مرشدیه، نقش مهمی نیز در رشد و پیشرفت کازرون ایفا نمودند. بنابراین، مجموعه مرشدیه کازرون متعلق به طریقت مرشدیه، معرّف سبک دوره‌های مختلف و شیوه‌های گوناگون معماری بوده و از نظر مطالعه تاریخ معماری اسلامی ایران دارای اهمّیت زیادی است. از این حیث، تأملی بر جایگاه این مجموعه در شهر کازرون، موضوع قابل توجه است. موضوعی که با توجّه به تأثیرات بلندمدت آن بر حیات فرهنگی و بافت تاریخی کازرون، هم از جهت شناخت تاریخ محلی و هم از جهت شناخت تاریخ اجتماعی، درخور مطالعه نشان می‌دهد.

جالب این است که به رغم نقش‌آفرینی وسیع و اثرگذار مجموعه مرشدیه در بافت تاریخی و فرهنگی شهر کازرون، نه‌تنها گزارش‌های منابع تاریخی اندک و محدود است، بلکه پژوهش مستقل و مشخص جدیدی هم انجام نشده است. تحقیقات معدود صورت گرفته از جمله کتاب جستجو در تصوّف ایران

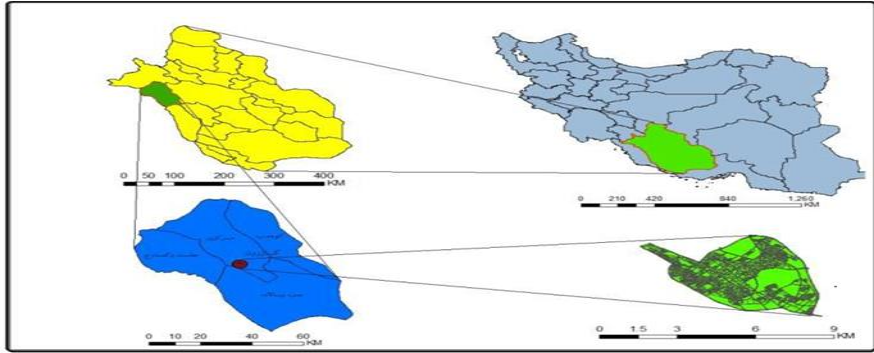
۱. در مورد زندگینامه شیخ ابواسحاق کازرونی به مقاله رحیمی جباری، اعظم (۱۳۹۷)، "نقش شیخ ابواسحاق کازرونی در گسترش اسلام در کازرون (نیمه دوم قرن چهارم تا اوایل قرن پنجم هجری)" نگاه کنید.

۲. کازرون (Kazerun)، از شمال و شمال غربی به شهرستان بهبهان و از شمال شرقی و شرق به شهرستان شیراز و از جنوب و جنوب غربی به شهرستان بوشهر و از جنوب شرقی به شهرستان فیروزآباد محدود می‌شود. (فرهنگ جغرافیایی ایران، ۱۳۳۰: ۱۷/۱۸۰)

نوشته زرین کوب (۱۳۸۵) و کتاب تاریخ خانقاه در ایران از کیانی (۱۳۶۹)، صرفاً به شرح زندگی مؤسس طریقت مرشدیه تمرکز داشته‌اند. علاوه بر این، در مقاله‌ای با عنوان "خاندان بلیانی"، نوشته شمس (۱۳۷۶)، نیز به شرح حال عرفای بزرگ این خاندان پرداخته شده است. الگار (۲۰۰۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان "کازرونیه" اشارات مختصری به زندگینامه شیخ ابواسحاق دارد. همچنین لاله و شیخ‌الحکمایی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان " بناهای معروف به ابواسحاقیه در ایران و سرزمین‌های اسلامی" بصورت مختصر به زندگینامه شیخ ابواسحاق کازرونی و شکل‌گیری خانقاه‌های مرشدیه در ایران و گسترش آن در دیگر کشورهای اسلامی از دید باستان‌شناختی پرداخته‌اند. رحیمی‌جبری (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان "نقش شیخ ابواسحاق کازرونی در گسترش اسلام در کازرون (نیمه دوم قرن چهارم تا اوایل قرن پنجم هجری)" به وضعیت مذهبی کازرون در زمان آل‌بویه (حک. ۴۴۷ - ۳۲۰ ق) و نقش شیخ ابواسحاق در گسترش دین اسلام و تضعیف آیین زرتشت در این منطقه می‌پردازد.

به این ترتیب، تأثیر صوفیان برجسته در شکل‌گیری عقاید شیخ ابواسحاق و همچنین نقش جانشینان او در روند تکامل طریقت مرشدیه مورد اغفال واقع شده است؛ علاوه بر این ویژگی ساختاری و سبک معماری بنای مرشدیه، در آثار پژوهشگران مورد توجه جدی قرار نگرفته است. نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی و تبیین و تفسیر وجوه مختلف موضوع و طرح این سؤال اصلی که مجموعه مرشدیه در کازرون از چه سبک معماری و جایگاهی برخوردار بوده است؟ این مدعا را دنبال می‌کند که مجموعه مرشدیه از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین آثار عرفانی و معماری دوران اسلامی به شمار می‌آید.

در این راستا، این مقاله برای بررسی زمینه‌های تحوّل اقدامات عرفانی و عمرانی مجموعه مرشدیه کازرون، در سده‌های چهارم تا هشتم هجری، تلاش می‌کند، تا جایگاه و تأثیرات این مجموعه را تبیین کند. اهمیت این رویکرد، علاوه بر بررسی سیر تحوّل اقدامات عمرانی مجموعه مرشدیه، به ویژه از آن جهت است که به شناختی از یک تجربه موفق در گسترش فرهنگ اسلامی، تأکید دارد.



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی شهر کازرون

مأخذ: محمدی، جمال؛ همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۸.

تأثیر صوفیان برجسته و شکل‌گیری عقاید شیخ ابواسحاق

تصوّف یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی در فارس بوده. این ناحیه حلقه اتصال دو مرکز تصوّف اسلامی بغداد و خراسان بود که همواره مباحث عرفان و تصوّف در این مرکز بررسی و تبلیغ می‌شده است. تعلق برخی از صوفیان مشهور سده‌های نخستین اسلامی به مکتب عرفانی فارس دلیل این مدّعاست.

بنابراین، فارس از مراکز عرفا و صوفیان محسوب می‌شد؛ بطوریکه حتی عرفا و صوفیان سایر نواحی ایران به این منطقه و بویژه شیراز می‌آمدند. آثاری که بر کثرت صوفیان بزرگ در فارس سده‌های نخست اسلامی دلالت دارد، تألیف تذکره‌هایی است که در همان زمان صورت گرفته و بخش عمده‌ای از آنها به صوفیان منطقه فارس اختصاص داشته است. (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۲۵) به این ترتیب، تصوّف در فارس از سده‌های نخستین اسلامی آغاز شد و در ادامه منجر به شکل‌گیری جریانی قدرتمند از تصوّف در نیمه دوم سده چهارم و پس از آن، سده پنجم هجری می‌شود. در این دوران طلایی تصوّف، مردان بزرگی در این عرصه ظاهر شدند که گفتار و اعمال آنها به شدت در جامعه اسلامی تأثیر گذاشت و این تأثیرات روز به روز بیشتر شد. از این رو، فارس در قرون اولیه اسلامی از بزرگترین مراکز پرورش علما و صوفیان بود که عرفای مشهوری همچون شیخ ابواسحاق کازرونی را در خود پروراند.

دربارهٔ کودکی و درس خواندن شیخ ابواسحاق گفته‌اند که در زمان وی دو تن از مُقریان عرب به نام‌های مُقری ابی تمام بصری و مُقری بوعلی محمد بن اسحق بن جعفر شامی بودند که در نیمهٔ دوّم قرن چهارم هجری در مساجد جامع نُورد و سَروک کازرون، قرآن درس می‌دادند و شیخ ابواسحاق نیز با جمعی از کازرونی‌ها در جلسات درس ایشان شرکت می‌کرد و قرآن می‌آموخت. (ابن عثمان: ۱۳۳۳: ۱۴)

شیخ ابواسحاق، پس از تحصیل مقدمات علوم و مصاحبت با برخی از مشایخ کازرون و شیراز از جمله؛ شیخ الحافظ ابوبکر محمد بن احمد بن محمد بن یحیی بن عبد الجبار، ابوعبدالله محمد بن سنجار کازرونی، قاضی ابومسعود محسن بن الحسین الکازرونی و... از کازرون (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۶-۴۱) و شیخ ابوالحسین عبدالله بن محمد خرجوشی، شیخ ابوعلی حسن بن احمد صفّار، ابوعبدالله محمد بن جعفر ابریشمی و... از شیراز (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۴۸-۴۲)، بر آن شد که طریقت یکی از سه شیخ پرآوازه آن عصر - حارث محاسبی (م. ۲۴۳ ق.)، ابن خفیف (م. ۳۷۱ ق.) و ابوعمرو بن علی (م. ۳۵۸ ق.) - را برگزیند. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۸-۱۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۷۹۶) بنابراین در سن پانزده سالگی از طریق یکی از شاگردان ابن خفیف به نام حسین اکار (م. ۳۹۱ ق.) که ابواسحاق را در کودکی ملاقات کرده بود (ابن جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۹۲-۹۱؛ الدیلمی، ۱۳۶۳: ۲۵۹؛ ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۸-۱۷؛ Arberry, 1950: 163-166) و بعدها، از او خرّقه تصوّف گرفت، وارد طریقت ابن خفیف شد. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۲۵-۱۹؛ ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۶۴-۶۳؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۳۰؛ شرف الدّین ابراهیم، ۱۳۴۹: ۲۲-۲۱) به این ترتیب، ابن خفیف در هنگام مرگ، وصیّت کرد که علاوه بر خرّقه، کتاب‌های موجود در کتابخانه‌اش نیز به شیخ ابواسحاق برسد. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۲۵-۱۷)

شیخ ابواسحاق پس از تحصیل نزد محدّثین فارس، جهت تکمیل علوم خویش در سال ۳۸۸ ق راهی بصره و حجاز (مکه و مدینه) شد و از محضر بزرگان آن دیار، علم و حدیث آموخت و بعدها نیز از آنها حدیث نقل می‌کرد. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۵۷-۴۹) وی، در این سفر به زیارت کعبه نیز رفت و با آنکه نخست در صدد بود که در همانجا مجاورت کند ولی چون مردم آنجا را بسیار تنگ نظر و بی‌گذشت دید، از این کار پشیمان شد و از طریق بصره به کازرون بازگشت. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۱۳) به این

ترتیب، باب ششم تا دهم کتاب فردوس‌المرشدیه، حاوی احادیثی است که شیخ مرشد از مشایخ کازرون، شیراز، بصره، مکه و مدینه روایت کرده است. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۵۷-۱۳۳۳-۳) جامی و خواندمیر نیز به نقل حدیث شیخ ابواسحاق از مشایخ مذکور اشاره کرده‌اند. (جامی، ۱۳۸۶: ۲۶۰؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳۱۰/۲)

از شیخ ابواسحاق جز روایت در باب اعتقادات (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۶۴-۳۵۶) و نیز وصیت‌گونه‌ای خطاب به ابوالفتح عبدالسلام بن احمد (م. ۴۷۳ ق) (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۳۷) و اشعاری به لهجه کازرونی (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۷۴-۳۶۵) چیزی بر جای نمانده است. به عقیده مایر، از اعتقادات شیخ در فردوس‌المرشدیه برمی‌آید که او بر مذهب اشعری بوده؛ به ویژه که ابن خفیف هم این مذهب را داشت. شیخ ابواسحاق در فروع دین هم از شافعی پیروی می‌کرد. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: بیست و شش) و به این نکته معتقد بود که "سرنوشت بشر از پیش معین است و به آن تسلیم خواهد بود." (ابن عثمان، ۱۳۳۳: بیست و شش، ۲۳۸، ۲۲۹، ۲۲۱) او عقیده داشت که "تنها به مدد نور دل می‌توان به درک ذات خداوند نائل شد." (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۲۹) راه سعادت و طریقه درست زندگی از نظر شیخ ابواسحاق، روشی است که با اتخاذ آن بتوان از "تضاد و اختلاف بین آنچه باید و آنچه را می‌توان از میان برداشت، به دور ماند" و به این نکته معتقد بود که "عقل را برای آن به آدمی داده‌اند تا ضرورت اطاعت از خداوند را دریابد." (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۲۴۲) به همین دلیل، عقیده داشت که هر نوع بحث و گفتگو در مذهب اسلام مجاز نیست؛ زیرا "مذهب اسلام عبارت است از امر و فرمان و هرکس که در امور مذهبی به جدل پردازد، نتیجه ضعیفی است که در ایمان اوست." (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۶۱) وی، همچنین، از حدود تعالیم اسلامی خارج نمی‌شد و با اهل بدعت مبارزه می‌کرد. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۷۴، ۱۸۱، ۱۵۵؛ عطارنیشابوری، ۱۳۸۳: ۸۰۷) شیخ ابواسحاق نیز چون ابن خفیف شیخی صوفی بود که مریدانی را تربیت کرد و تذکرة وی نیز همچون تذکرة ابن خفیف به دست شاگردانش تصنیف شد که حاوی اطلاعات مهمی درباره زندگی اجتماعی مریدان طریقت او است. در بابی از این کتاب، شیخ ابواسحاق به فردی موسوم به شیخ ابوالفتح عبدالسلام (م. ۴۷۳ ق) وصیت می‌کند که "عمل به شریعت را تا حد کمال در خویش پیرورد، جامه فاخر نپوشد و از ریا بپرهیزد، همنشین درویشان، صالحان و صادقان باشد، از مصاحبت با توانگران، اهل دنیا، امیران، ظالمان و

اصحاب دیوان دوری کند، مهربان، ملایم و فروتن باشد، سخاوت، پیشه کند و برای دریافت مزد در گورستان قرآن نخواند، در بخشندگی چندان افراط نکند که خود نیازمند گردد، از امیران، عمیدان و متصرفان هدیه نپذیرد، نماز شب بخواند، هر روز یک ساعت در خلوت ذکر بگوید و از خدمت و دستگیری فقرا و مسافران دریغ نورزد. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۴۰-۳۳۷)

از وجوه اهمیت کتاب فردوس المرشدیه (بزرگ‌ترین سیرت نامه شیخ ابواسحاق کازرونی)، وجود پاره‌ای از اشعار و جمله‌ها به لهجه‌های محلی کازرونی و شیرازی است. بیشتر ابیات، سروده خود شیخ مرشد است و چون سخنان وی برای مریدانش جنبه تقدس داشته، ناچار به همان لهجه کازرونی در کتاب سیرت نامه وی ضبط شده است. برای نمونه بیتی به لهجه کازرونی که بنا به گفته ابن عثمان، "شیخ مرشد آن را هنگام خوش وقتی، بسیار می‌خواند"، به همراه ترجمه منظوم فارسی آن بیت آورده می‌شود:

"دو دل فہ دلی نبوت دلی دو مهر نوزت"

دو دل در یک شکم هرگز نباشد دلی دو، دوستی هرگز نوزد. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۶۷؛ عطارنیشابوری، ۱۳۸۳: ۸۰۵)

شیخ ابواسحاق پس از اینکه نزد علمای آن زمان تفسیر و حدیث و فقه آموخت، طریقت خاص خود موسوم به طریقت مرشدیه (اسحاقیه، کازرونیه) را پایه گذاری کرد (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۵) و به پیروی از ابن خفیف، ترویج دین اسلام و دستگیری از مستمندان و مسافران را، وجهه همت خود قرار داد و سپس تصمیم گرفت که مردم را از دانش خویش بهره‌مند سازد، به همین جهت موعظه خود را در مسجد جامع نُورد (کازرون) آغاز نمود. تبلیغ دین اسلام در میان زرتشتیان کازرون، یکی از جنبه‌های مهم زندگی شیخ ابواسحاق، بود که از استقبال اکثر مردم برخوردار گردید. (رحیمی جابری، ۱۳۹۷: ۲۴-۱۹)

ابواسحاق مریدان بسیاری داشت. محمودبن عثمان فهرستی طولانی از اسامی ایشان را درباب سی و چهارم کتاب خود با عنوان "در ذکر خلفا و اصحاب شیخ مرشد قدس‌الله روحه‌العزیز" آورده است. در این باب صد و ده تن از مریدان شیخ معرفی شده‌اند که همه از بزرگان و علما و محدثین و مفسرین زمان بودند. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۴۰۱-۳۸۲) به گفته ابن عثمان: "شیخ، مریدان را چنان پرورش دادی

به اخلاق‌های حمیده که هر یکی از ایشان پیشوا و رهنمای عالمی بودند و به اختیار هیچ سهو بر ایشان نرفت. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۷۱) شیخ ابواسحاق همه عمر به ریاضت گذراند؛ همچنان که کرامات فراوانی از وی نقل شده است، حکایات بسیاری نیز مبنی بر ریاضت او نقل کرده‌اند. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۲۷، ۱۷۳، ۴۶؛ سعادت، ۱۳۸۴: ۱/ ۱۱۸) وی تا پایان عمر خویش مجرد باقی ماند (عطارنیشابوری، ۱۳۸۳: ۷۹۷) و در هشتم ذی القعدة ۴۲۶ ق، پس از چهار ماه تحمّل یک بیماری، در نُورد کازرون وفات یافت. (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۲۱۸)

بعد از وفات شیخ ابوسحاق، افرادی سمت جانشینی او را به عهده گرفتند و شیخ، لزوم اطاعت از آنان را به مریدان توصیه کرده بود که "در این بقعه و آنکه قائم مقام من باشد او را وقار و حرمت بدارید و فرمان وی ببرید." (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۲۸)

جانشینان شیخ ابواسحاق

خطیب ابوالقاسم عبدالکریم بن علی بن سعد (م. ۴۴۲ ق)، نخستین جانشین شیخ مرشد بود که پانزده سال در مقام خلافت باقی ماند. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۳) ابن عثمان می‌نویسد: "شیخ مرشد قدس الله روح العزیز پیش از وفات به سه روز، جمله اصحاب جمع کرد و نصیحت فرمود و خطیب ابوالقاسم را خلیفه خود کرد در نماز خواندن و وعظ گفتن و نظر در امور بقعه کردن و علی بن فضل در مدد امور بقعه با خطیب ابوالقاسم شریک کرد." (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۷۷) از خطیب ابوالقاسم عبدالکریم تحت عنوان اهل علم نیز یاد شده است که در طلب علم چندین بار به شیراز، اصفهان، بغداد و حجاز سفر کرده بود. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۸-۳۸۷) در باب سی و چهارم کتاب فردوس المرشدیه، یعنی "در ذکر اسامی خلفا و اصحاب شیخ مرشد"، از قول شیخ آمده است که "خطیب ابوالقاسم عبدالکریم کارهای دنیا نمی‌شناسد و نمی‌داند؛ ولیکن علم نیک می‌شناسد و نیک می‌داند." (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۹) پس از او، خلافت به فرزندش، خطیب امام ابوسعده زاهر بن عبدالکریم (م. ۴۵۸ ق) واگذار شد و شانزده سال بعد، برادرش خطیب امام ابوبکر محمد بن عبدالکریم (م. ۵۰۲ ق) به مدت چهل و چهار سال هدایت و رهبری پیروان او را به عهده داشت. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۳-۳۸۲) خطیب امام ابوبکر، مؤلف سیرت‌نامه شیخ ابواسحاق به زبان عربی

است که درباره زندگی او جزء کتاب فردوس المرشدیه (ترجمه فارسی کتاب سیرت نامه امام ابوبکر)، منبع دیگری وجود ندارد. شیخ ابواسحاق، ابوبکر را از دوران کودکی می‌شناخت و از همان زمان مقام و منزلت او را در آینده پیش‌بینی کرده بود از مطالب فردوس المرشدیه برمی‌آید که امام ابوبکر، اطلاعات گسترده‌ای درباره عقاید صوفیان داشته است. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۳)

خطیب ابوحامد احمد بن عبدالکریم (زنده در حدود سال ۵۳۰ ق) نیز بعد از برادران به خلافت نشست. ابن عثمان درباره او می‌نویسد: "چهارم خطیب ابوحامد احمد بن عبدالکریم بود و شیخ مرشد او را دعای خیر کرد و از برکات دعای شیخ مرشد، عالم و فاضل شد و بعد از برادران خطابت و خلافت کردی. بعد از آن به حجاز رفت و در راه بازگشتن وفات یافت" (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۴). بعد از او، فرزندش، ابوالقاسم محمود بن احمد بن عبدالکریم (زنده در حدود سال ۵۴۰ ق)، رهبری طریقت را به دست می‌گیرد. (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۳۰؛ شرف‌الدین ابراهیم، ۱۳۴۹: ۲۲-۲۱) پس از وی نیز شیخ سراج‌الدین محمود بن خلیفه (م. ۵۶۲ ق) به جانشینی می‌رسد. (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۳۰؛ شرف‌الدین ابراهیم، ۱۳۴۹: ۲۲-۲۱) بعد از شیخ سراج‌الدین، خلافت به شیخ روزبهان بقلی (م. ۶۰۶ ق) از صوفیان معروف شیراز می‌رسد. (ابن جنید شیرازی، ۱۳۴۶: ۳۴۳؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۵۵-۱۵۴، ۱۳۰؛ جامی، ۱۳۸۶: ۲۶۱؛ شرف‌الدین ابراهیم، ۱۳۴۹: ۲۲-۲۱) در دوره‌های بعد، جمال‌الدین ابوحامد احمد بن محمد (زنده در سال ۶۲۰ ق) ملقب به "خطیب الخطبا خلیفه الاولیا" (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۴۱۳) و پس از آن، شیخ عمر بن ابوالفرج کازرونی (م. ۷۰۳ یا ۷۰۴) (کاوتس، ۱۳۹۲: ۸۴، ۷۷) و در حدود سالهای ۷۳۱ ق، عبدالرحیم بن عبدالعلی بن سعد الدین خطیب مرشدی، خلافت مرشدیه را بر عهده داشتند. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: بیست و پنج) تا اینکه نوبت جانشینی به شیخ معروف، امین‌الدین بلیانی (م. ۷۴۵ ق)، رسید و امور خانقاه شیخ ابواسحاق را برعهده گرفت. امین‌الدین هر چند بر طریقه سهروردیه بود اما به شیخ ابواسحاق ارادت بسیاری داشت (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۶۳، ۲۱۵، ۲۰۹-۶۲؛ ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۴۴۵؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۸۶)

همچنین حاجی ناصرالدین عمر مرشدی (۸۲۳-۷۲۳ ق) در دوران جوانی خود، که حدود سالهای ۷۵۳ تا ۷۶۴ ق، تخمین زده می‌شود، با افرادی چون؛ شیخ شهاب‌الدین عمر کازرونی که "یگانه عصر و مرشد وقت بود"، خطیب رکن‌الدین عبدالعزیز بن خطیب عبدالرّقیب و خطیب مرشدالدین

محمد که به ترتیب، رهبری طریقت مرشدیه را به عهده داشتند، ملاقات کرده بود (عمر مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۲-۱۷).

براساس سند حکم آستانه شیخ ابواسحاق^۱ که اولین بار توسط استاد ایرج افشار قرائت شد، فردی به نام محمد بن عبدالصمد بن عبدالکریم ملقب به جمال الدین مرشدی، در سال ۸۲۶ ق، خلیفه مرشدیه بود. در این سند که خود محمد بن عبدالصمد آن را صادر کرده بود، فردی به نام سعد الدین ابوسعید را به عنوان قائم مقام خویش در امور خانقاه‌ها از جمله؛ دریافت نذورات و عزل و نصب صاحبان خانقاه‌ها، منصوب می‌کند و از سلاطین وقت می‌خواهد که از او حمایت کنند. (سازمان اسناد ملی، ش ۸۲۶؛ افشار، ۱۳۵۸: ۱۴۰-۱۳۸؛ ابن عثمان، ۱۳۵۸: ۷۵۶-۷۵۵) بر این اساس، فعالیت‌های طریقت مرشدیه از طریق خانقاه‌های آن، پس از مرگ شیخ ابواسحاق همچنان با مرکزیت کازرون ادامه یافت.

بنیان مجموعه مرشدیه

سلوک زاهدانه در میان مسلمانان، با عزلت‌گزینی صوفیانی منفرد آغاز شد. این افراد که به دلایل گوناگون، خود را از جامعه پیرامون خویش جدا می‌کردند، به تدریج، اجتماعات پراکنده را گرد خود جمع کردند؛ برای نمونه، شیخ ابواسحاق، نخست در مسجد جامع شهر کازرون به منبر رفت و چون مخالفان که اکثراً زرتشتیان بودند^۲ در مجالس او اخلال کردند، ناگزیر از شهر بیرون رفت و در حومه کازرون (صحرای نورد یا محله فخران فعلی در غرب شهر) محراب سنگی و سپس مسجدی بنا کرد و

۱. این سند طوماری که کاغذش نخودی رنگ و به خط شکسته تعلیق است، دارای سه مهر هشت ضلعی و دو مهر چهار ضلعی به خط کوفی بنایی می‌باشد. یکی از مهرهای چهار گوش بزرگتر از دیگری است. کلمات الله و محمد (ص) در پایان سند و کلمه ابواسحاق در سطر سوم به طلای حل است. (ابن عثمان، ۱۳۵۸: ۷۶۳-۷۵۴)

۲. دوران شیخ ابواسحاق (قرون چهارم و پنجم هجری) مصادف با حکومت آل بویه (حک. ۴۴۷-۳۲۰ ق) بود. در این زمان حکومت ایالت فارس، "بعد از واقعه باکالیجار و سقوط کردن مملکت خسرو فیروز، به خلف نامدار او سلطان الدوله فناخسروین خسرو فیروز بن عضدالدوله رسید" (زکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۴۶) و حاکم کازرون فردی زرتشتی به نام خورشید مرزبان یا خورشید مجوسی بود که از او به نام دیلم مجوسی نیز یاد می‌شد (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۳، ۱۰۶) و فخرالملک (۴۰۷-۳۵۴ ق)، از وزرای آل بویه در شهر شیراز بود. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۰۹)

آنجا را جایگاه خود و پیروانش قرار داد. به این ترتیب، مرحله آغازین شکل‌گیری مجموعه بناهای مرشدیه در راستای تبلیغ دین اسلام در میان زرتشتیان و دستگیری از نیازمندان و مسافران در زمان حیات شیخ ابواسحاق صورت می‌گیرد. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۲۵، ۱۸، ۱۴)؛ سرانجام شیخ، در سال ۳۷۱ ق، با حمایت مالی یکی از مریدانش، توانست در طول چهار سال مسجدی بر پا کند که هسته اولیه مقر اصلی این طریقت شد. مسجدی که در زمان حیات شیخ مرشد، چندین بار گسترش یافت و کارکرد مسجد جامع گرفت. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۲، ۲۸، ۲۶؛ عطارنیشابوری، ۱۳۸۳: ۷۹۶) هزینه گسترش این مسجد نیز توسط مریدان شیخ پرداخت می‌شد (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۳-۲۸).

نکته قابل توجه در مورد مجموعه مرشدیه، تأثیر اساسی آن بر روند گسترش شهر کازرون می‌باشد. به این ترتیب، با استقرار مردم و ساخت و سازهای آنها در اطراف آن، هسته مرکزی کازرون فعلی را ایجاد کرد که در سمت غرب آن قرار داشت. به گفته ابن عثمان، «و مردم از هر طرف می‌آمدند و بر حوالی مسجد جامع و رباط شیخ، خانه‌ها می‌ساختند و کازرون معمور شد.» (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۲۹) پیش از آن، کازرون در سمت شرق از سه بخش جدا به نامهای نودر، دریست و راهبان تشکیل شده بود (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۴۷) که به مجموع آنها شهر قدیم یا نورد می‌گفتند. به گفته ابن عثمان «پیش از شیخ مرشد کازرون نبود، دیهی مختصر بود از طرف قبلی رباط شیخ و آن را نورد گفتندی و شهر بلدالعقیق بود یعنی شهرکهنه.» (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۲۹) زركوب شیرازی نیز می‌نویسد: «گویند طهمورث آن (کازرون) را و شهر دریست و راهبان ساخته بود و آن را نورد گفتندی و در عهد شاه شاپور داخل شاپور گشت.» (زركوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۲۸) به این ترتیب، کازرون، از نیمه دوم قرن چهارم هجری یعنی زمان شیخ ابواسحاق که شهر شاپور (مرکز کوره شاپور یکی از کوره‌های ایالت فارس) از بین رفت، مهم‌ترین شهر (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۴۵) و به گفته اصطخری، بزرگ‌ترین شهر کوره شاپور، گردید (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۲) و به تدریج نواحی دیگر متعلق به این کوره را به خود وابسته کرد، چنانکه مستوفی می‌نویسد: «نواحی بسیار از توابع کازرون است.» (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۶: ۱۵۱) بنابراین، وجود شیخ ابواسحاق و اقدامات وی، نقطه عطفی در تکوین و گسترش شهر کازرون و نشر اسلام در این منطقه بود (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۲۹).

به این ترتیب، در مجموعه مرشدیه کازرون، مسجد جامع و همچنین خانقاه که هر دو صحن دار بودند، دو بنای اصلی را تشکیل می‌دادند. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۷۸، ۱۸۶، ۱۷۵، ۲۸-۲۶) مسجد جامع دارای صحن و شبستانی ستون‌دار بود که محراب، منبر و سقایه را در برمی‌گرفت و مناره‌ای در قسمت شرقی آن قرار داشت. خانقاه که محل اقامت شیخ و منزلگاه درویشان و بینوایان و مسافران بود، ساختمانی در جنب مسجد جامع و در شمال آن را تشکیل می‌داد. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۴۰۶، ۳۸۲-۳۸۳، ۳۳۵، ۳۱۰، ۱۶۶، ۱۵۴) بنای خانقاه در دو طبقه، شامل؛ صحن، حجره، خلوت خانه و محراب بود. حجره شیخ در طبقه دوم در میان ضلع جنوبی قرار گرفته بود و از طریق دریچه‌ای بر صحن و شبستان مسجد اشرف داشت (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۳، ۳۷۶-۳۷۸، ۳۰۷، ۱۹۱، ۱۸۸، ۱۸۶، ۱۷۲) و ستون‌های در آن بنا شده بود. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۵۸) خادمی به ترتیب امور و خدمتکاری اهل خانقاه اشتغال داشته و مقربان مرشدی نیز در این مجموعه به قرائت قرآن می‌پرداختند. خانقاه همچنین دارای کتابخانه، مدرسه، خزانه و خزانه‌دار و دربان بود (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۹۰، ۳۷۶، ۱۸۲، ۱۴۶، ۱۴۴، ۱۲۲)، لاله، شیخ الحکمایی، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۱۴)؛ علاوه بر این، شیخ ابواسحاق در پشت محراب کهنه، موضعی که به نام تحت السراج (زیر چراغ) خوانده می‌شد، را برای اسکان ارادتمندان و اهل تصوف از جمله برای دو مهمانی که از لبنان به کازرون آمده بودند، بنا نهاد. چون شیخ ابواسحاق از دنیا رفت او را در بخش جنوب شرقی مسجد جامع در بنای کوچک مربع شکل که دارای گنبد بزرگی بود، به خاک سپردند. به این ترتیب مجموعه‌ای که مسجد جامع، خانقاه و تحت السراج (اقامتگاه مریدان غریب) را در خود داشت، به صورت مجموعه زیارتی درآمد. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۹۳-۳۴، ۱۹۰-۳۳؛ لاله، شیخ الحکمایی، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۱۴) در قرن هشتم هجری^۱، مجموعه مرشدیه کازرون به دست شیخ امین‌الدین محمد بن علی بلیانی (م. ۷۴۵ ق)،

۶. منابع اصلی در مورد طریقت مرشدیه، دو کتاب مربوط به محمود بن عثمان است؛ یکی کتاب فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه است که این کتاب در سال ۷۲۸ ه. ق. از سیرت نامه‌ای به زبان عربی به نام سیرت مرشدیه اقتباس شده است. مؤلف سیرت نامه عربی، خطیب امام ابوبکر محمد عبدالکریم بن علی بن سعد (م. ۵۰۲ ه. ق) بود (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۳-۳۸۲). کتاب دیگر ابن عثمان به نام مفتاح الهدایه و مصباح العنایه (سیرت نامه شیخ امین‌الدین محمد بلیانی (م. ۷۴۵ ق)) است که در حدود ۷۴۸ ه. ق. نگاشته شده است. با توجه به مطالب بیان شده، در فاصله قرن پنجم تا هشتم هجری، منابع مکتوبی در زمینه مجموعه بنای مرشدیه وجود ندارد و احتمالاً در بازه زمانی میان این دو سده، تغییرات اساسی در مجموعه مرشدیه صورت نگرفته است.

نامدارترین صوفی از خاندان بلیانی و از مریدان مهم شیخ ابواسحاق، بازسازی و توسعه یافت و بناهای عام‌المنفعه دیگری نیز بر آن اضافه کرد.

توسعه مجموعه مرشدیه

مجموعه مرشدیه کازرون، از سال ۷۰۶ تا سال ۷۳۲ ق، توسط شیخ امین‌الدین در چندین مرحله بازسازی شد و گسترش یافت و واحدهایی به مجموعه قبلی اضافه شد و بر عظمت آن افزود و این باعث شد تا در قرن هشتم هجری به آن «باب الفردوس المرشدی» بگویند. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۹۵؛ لاله، شیخ الحکمایی، ۱۳۸۷: ۱۱۷) مهم‌ترین منبع برای شناخت احوال و عقاید شیخ امین‌الدین، کتاب دیگر محمود بن عثمان یعنی مفتاح الهدایه و مصباح العنايه می‌باشد.

شیخ امین‌الدین، پس از اینکه نزد پدر (زین‌الدین علی (م. ۶۹۳ ق)) و عمویش (شیخ اوحدالدین عبدالله بلیانی (م. ۶۸۶ ق)) (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۵۰، ۵۷؛ هدایت، ۱۳۱۶: ۵۳؛ اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۱/۳۳۶) و مشایخ دیگر، تحصیل کرد (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۹۴) و در کازرون خانقاهی بنا کرد و به تدریس و تربیت مریدان پرداخت و در سن چهل و دو سالگی «چهل درویش صاحب درد سالک صادق مجرد» در خانقاه علیا داشت (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۹۰) و به گفته صاحب شیرازنامه «آوازه کمالیت ذات و صیت حسن ارشاد و بزرگواری او جهانگیر گشت.» (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰:

۱۹۴)

شیخ امین‌الدین به شیخ ابواسحاق، ارادت خاصی داشت. محمود بن عثمان، باب دوازدهم کتاب مفتاح الهدایه را به ارتباط و اتحاد شیخ الاسلام (شیخ امین‌الدین) با روح مقدس شیخ مرشد و عمارتی که به اشارت شیخ مرشد ساخته، اختصاص داده است و در این باب، به صورت تکرار و با تأکید آورده است که میان شیخ امین‌الدین و شیخ ابواسحاق «هیچ دویی نیست بلکه یگانگی و اتحاد است.» (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۲۳-۲۰۹) محمود بن عثمان همچنین در دوکتاب خود (مفتاح الهدایه و فردوس المرشدیه) نقل می‌کند که، خاندان شیخ امین‌الدین، در بلیان به تبعیت از شیخ ابواسحاق، به

تبلیغ و ارشاد مشغول بودند و اولین شخص از آنان که اجازه یافت در کازرون به هدایت خلق پردازد، شیخ امین الدین بود.

از نشانه‌های ارادت بسیار ابن عثمان به شیخ ابواسحاق همین بس که می‌گوید؛ شیخ ابواسحاق با کرامات خود، شیخ امین الدین بلیانی را که نزدیک به سه قرن پس از شیخ ابواسحاق می‌زیسته، به عنوان خلیفه خود معرفی می‌کند و حتی نذورات خود را به او حواله می‌کند. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۴۴۵؛ ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۱۵-۲۱۴، ۲۰۹)

شیخ امین الدین توجه بسیاری به مسائل اجتماعی داشته و بیشتر وقت خود را صرف رفاه و حل مشکلات مردم کرده بود (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۱۱۷-۱۱۶، ۹۹، ۸۴، ۵۲). وی، علاوه بر ارشاد خلق، برای رفاه حال مردم، عمارت هایی را به نام شیخ ابواسحاق کازرونی نیز بنا کرد (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۲۱-۲۱۸) که محمود بن عثمان در هر دو کتاب خود (فردوس المرشدیه و مفتاح الهدایه) به آن اشاره کرده است. (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۱۰؛ ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۴۲۹)

به این ترتیب، شیخ امین الدین، تغییراتی در مجموعه مرشدیه بوجود آورد، از جمله اینکه بنای آرامگاه، بازسازی و گنبدی با تزیینات کاشی بر آن ساخته شد (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۴۲۹، ۱۹۶) و ساختمان هایی نیز در اطراف آن احداث کرد. وی، دو سقّایه به نام سقّایه مرشدیه ساخت، یکی به عنوان اولین بنایی که شیخ در مشرق مسجد جامع مرشدی بر موضعی که پیش از آن «تل بزرگی به ارتفاع ده گز» از خرابه‌های قدیمی بود، احداث نمود و بنای آن را در سال ۷۰۶ ق آغاز کرد و در سال ۷۰۹ ق، به پایان رساند. هزینه این بنا از فروش «دستینه (دستبند) نقره مادر شیخ» تأمین گردید و مردم شهر، حکام، روساء، اهل سپاه و زنان، در صاف کردن تل و ساخت بنا با شیخ همکاری کردند. ابن عثمان می‌نویسد: «مردم شهر به مدد آمدند ... مردان از بام تا شام کار می‌کردند و بعد العشاء زنان می‌آمدند و تا صبح کار می‌کردند و گل به چادر برمی‌گرفتند و می‌بردند، چنان که به اندک روزی آن تلّ عظیم از جای برداشتنند و صحرائی پدید کردند.» (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۱۲-۲۱۱) سقّایه دوم به همان نام سقّایه مرشدی در شمال مسجد جامع نیز در سال ۷۲۸ ق، برای استفاده اهل بازار بنیاد نهاد. علت ساخت آن چنین آمده است «که شیخ الاسلام، می‌خواست که از طرف شمالی مسجد که به بازار نزدیک است، سقّایه‌ای باشد تا اهل بازار کاهلی در نماز نکنند و هرگاه که خواهند، بروند و طهارت

کنند و آن موضع خانی (خانه) بزرگ خراب بود و اهل بازار آن را پلید می‌داشتند. شیخ الاسلام آن را بخريد و قلع کرد و سقايه آن جا بساخت.» (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۱۸) شیخ امين الدین همچنين، مسجد جامعی که در اصل به دست شیخ ابواسحاق ساخته شده بود، در چهار نوبت گسترش داد. (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۱۸-۲۱۷، ۲۱۴-۲۱۳؛ نیز: ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۹۶-۱۹۴)

با این وجود، شیخ امين الدین گاهی مورد اعتراض و عاظ مسجد قرار می‌گرفت که «همه روزه به عمارت کردن مشغول است و از هر کس هر چه می‌خواهد، می‌ستاند.» (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۱۳)

در سال ۷۲۲ ق، دارالشفای مرشدی در مشرق مسجد جامع بر بنیاد خرابه‌هایی که پیش در مسجد بود، را بنیاد نهاد. همچنين، شیخ امين الدین با پشتیبانی مالی سید شمس الدین یزدی (م. حدود ۷۵۸ ق)، در سال ۷۲۶ ق، چند خانه در قبله مسجد جامع خرید و دارالحديث شمسيه را احداث و در آن را به مسجد جامع باز کرد و موقوفاتی برای این مدرسه تعیین کرد. (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۱۸) در وقفنامه معروف به جامع الخيرات اثر سید رکن الدین حسینی یزدی نیز آمده است که پسرش سید شمس الدین، دارالحديثی در کازرون کنار مجموعه مرشدیه ساخته و موقوفاتی را برای آن اختصاص داده و در زمان خود، تولیت آن را به امين الدین علی کازرونی (شیخ امين الدین) سپرده است. (حسینی یزدی، ۱۳۴۱: ۱۶۵، ۱۴۶) به گفته مؤلف کتاب مفتاح الهدایه، «سبب ساخت عمارت آن بود که چند خانه از قبلی (قبله) مسجد جامع بود که مردم از بام مسجد، بدان عورات (زنان) که در آن خانه‌ها بودند، می‌نگریستند و روح شیخ مرشد از آن آزرده می‌شد. شیخ الاسلام به اشارت شیخ مرشد، از آن خانه‌ها بخريد و قلع کرد و آن عمارت بساخت.» آخرین عمارتی که شیخ امين الدین در بقعه شیخ ابواسحاق، بنیان نهاد، دارالعابدین بود که در سال ۷۳۲ ق، به عنوان محلی برای حضور غریبان و مسافران که در آنجا به «اوراد و اذکار» مشغول شوند، احداث شد. (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۱۹-۲۱۸) محمود بن عثمان می‌نویسد: «هر عمارت که شیخ الاسلام کرده و فرموده جمله به اشارت شیخ مرشد بوده است.» شیخ امين الدین نیز می‌گفت که «ما هرگز بی اجازت و اشارت شیخ مرشد سنگی به کار ننهاده‌ایم و بی مشورت و اذن وی، هیچ کار نکرده‌ایم.» (ابن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۱۵)

ویژگی ساختاری معماری بنای مقبره شیخ ابواسحاق

معماری ایرانی- اسلامی در دوره‌های مختلف تاریخی، از مناظر گوناگون مورد ارزیابی قرار گرفته و براساس نوع نگرش و نحوه ارزش‌گذاری، دسته بندی‌های متفاوتی درباره سبک‌های آن به عمل آمده است. زنده یاد استاد پیرنیا یکی از اولین محققان وطنی است که این تحولات را در قالب‌های مشخص و با ویژگی‌های خاص تقسیم بندی کرده است. براین اساس؛ تاریخ معماری ایرانی را با سبک پارسی (سده‌های ۴، ۵، ۶ ق.م) آغاز می‌کنند و پس از آن معماری ایرانی به سبک پارسی (اشکانی - ساسانی) (سده‌های ۲، ۱ ق.م و ۱ تا ۶ م) تحول پیدا می‌کند و سپس سبک خراسانی در سده‌های نخستین اسلامی و آنگاه به ترتیب سبک رازی (سده‌های ۳ تا اواخر ۶ ق.)، سبک آذری (سده‌های ۷ تا نیمه ۱۰ ق.)، سبک اصفهانی (سده‌های ۱۰ تا اواخر ۱۳ ق) و اختلاط (سده ۱۴ ق) در معماری ایرانی پدید آمد. در این میان، معماری سبک رازی را می‌توان مجموعه‌ای از تمام معماری‌های گذشته ایران دانست که با نغزکاری پارسی و شکوه پارسی همراه بود. (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۱۶۵-۱۵۸) در این سبک، سفت‌کاری و نماسازی در هم ادغام شده‌اند و تزیین در حدی متعادل بکار رفته است. این تعادل به این معنی است که آجر به عنوان اصلی‌ترین مصالح این دوره تقریباً در نیمی از بنا بدون تزیین و صرفاً به عنوان سفت‌کاری و در نیمی دیگر به عنوان نازک‌کاری خودنمایی می‌کند. به این ترتیب، اساس این سبک معماری بر استفاده سازه‌ای از آجر بود. اکثر بناهای این دوره چه در نمای خارجی و چه در نمای داخلی از آجر استفاده می‌شد و غالب گنبد‌های بکار رفته در این بناها نیز به صورت دو پوسته گسسته یا پیوسته ساخته می‌شدند. (حاتم، ۱۳۷۹: ۲۴۹؛ رسولی، ۱۳۸۴: ۷۱-۶۳) نمونه معروف این بنا، مقبره خواجه اتابک علاءالدین بوزقش از اتابکان سلاجقه کرمان (۵۸۳-۴۳۳ ق) را می‌توان ذکر کرد.

(تصویر ۲)



تصویر ۲. مقبره خواجه اتابک علاءالدین بوزقش در کرمان

مأخذ: روستا، ۱۳۹۶: ۹۳

تکنیک سبک رازی، با شیوه معماری مقبره شیخ ابواسحاق منطبق می‌باشد. این مقبره که هم اکنون تنها اثر باقیمانده از مجموعه مرشدیه است، در محله گنج آباد کازرون (که در قدیم محله کوزه‌گران نامیده می‌شد) قرار دارد و یادآور مجموعه بناهایی است که کانون مرکزی رهبری این طریقت را در بر می‌گرفته است. مقبره شیخ ابواسحاق، یک بنای مربع شکل ساده و دارای اتاقی به طول و پهنای ۶/۲ متر و بلندی چهار متر است. محوطه آرامگاه نیز ۳۲ متر طول (از شرق به غرب) و ۲۹ متر پهنای (از شمال به جنوب) دارد و مستطیل شکل می‌باشد. (میر، ۳۶۸: ۱/۱۹۱-۱۹۰؛ بهروزی، ۱۳۳۸: ۴۰، ۵-۴) این مقبره، در طول زمان، دچار تغییر و تحولات فراوانی شده است. با توجه به اطلاعات کسب شده، این مقبره در سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ به همت انجمن آثار ملی (به مبلغ سیصد هزار ریال) و توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی تعمیر گردید و بار دیگر در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ به علت عدم رضایت از مرمت آن (بویژه گنبد)، توسط انجمن آثار ملی با صرف هزینه‌ای بالغ بر هفت میلیون و پانصد هزار ریال، مورد تعمیر اساسی مجدد قرار گرفت و بنای اصلی مرمت شد و محوطه و بناهای تابعه آن نیز احداث گردید (ابن عثمان، ۱۳۵۸: مقدمه) که اداره میراث فرهنگی شهرستان کازرون در بناهای تابعه مقبره شیخ ابواسحاق مستقر می‌باشد (تصویر ۳). این بنا و محوطه آن برای جلوگیری از تصرف، دارای سند ملکیتی رسمی است که در اختیار اداره اوقاف شهرستان کازرون می‌باشد.



تصویر ۳. درب ورودی مقبره شیخ ابواسحاق

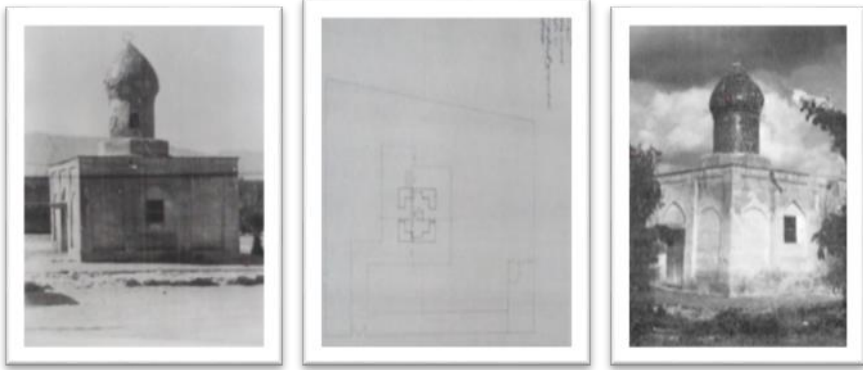
مأخذ: نگارنده

مصالح به کار رفته در تصاویر مقبره شیخ ابواسحاق در نمای خارجی و به احتمال زیاد در تزیینات داخلی، آجر بوده است. در بازسازی اولیه به ترکیب گنبد وفادار مانده و فقط با کاشی خشتی فیروزه رنگ، بدنه بنا را پوشانده‌اند. (تصاویر ۴، ۵)



مأخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی شهرستان کازرون مأخذ: ابن عثمان، ۱۳۵۸: شانزده

تصاویر ۴. نمایی از بقعه شیخ ابواسحاق (عکس در سال ۱۳۴۴)



مأخذ: ابن عثمان، ۱۳۵۸: هفده ماخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی کازرون

تصاویر ۵. پلان و نماهایی از بقعه شیخ ابواسحاق در سال ۱۳۵۵

همچنین در تصاویر اولیه مقبره شیخ ابواسحاق، گنبد به صورت دو پوسته گسسته یا میان تهی اجرا شده است که در مرمت نهایی در سال ۱۳۵۹، پوسته بیرونی گنبد (خود گنبد) را تخریب کرده‌اند و پوسته درونی آن (آهیانه گنبد) را به عنوان سقف حفظ کرده‌اند؛ به همین سبب از ارتفاع گنبد کاسته شده است. علاوه بر این، در مرمت نمای خارجی مقبره شیخ ابواسحاق، قوس‌های جناغی بر سر در ورودی بنا جای خود را به قوس نیم دایره یا هلالی داده است و در مرمت نهایی به نظر می‌رسد کمی از قوس‌های بناهای اسلامی فاصله گرفته و به سمت قوس‌های پیش از اسلام گرایش پیدا کرده است.

(رسولی، ۱۳۸۴: ۵۱-۳۹) (تصاویر ۶، ۷، ۵، ۴)



تصاویر ۶. منظره عمومی و بقعه شیخ ابواسحاق در سال ۱۳۵۹

مأخذ: ابن عثمان، ۱۳۵۸: سه - چهار



تصاویر ۷. نماهایی از فضای بیرونی بقعه شیخ ابواسحاق

مأخذ: نگارنده

نکته دیگر در مورد مقبره شیخ ابواسحاق، نحوه تزینات آن است. در مقبره شیخ ابواسحاق، دو درِ هلالی شکل و چوبی (شرقی - غربی) به عرض ۱۵۴ و طول ۲۵۴ سانتیمتر و دو نورگیر مشبک (شمالی - جنوب) به عرض ۹۱ و طول ۱۵۲ سانتیمتر روبه روی هم و به صورت قرینه قرار گرفته و مقبره شیخ ابواسحاق همسطح درها و درست زیر گنبد واقع است. یک تکه سنگ با خط ثلث عالی روی قبر، موجود می‌باشد که مربوط به قرن هشتم هجری می‌باشد و کتیبه‌ای نیز درباره فضائل شیخ ابواسحاق روی دیوار داخلی با خط ثلث وجود دارد که جدید است. (تصویر ۸، ۷، ۶)



تصاویر ۸. نماهایی از فضای درون بقعه شیخ ابواسحاق

مأخذ: نگارنده

علاوه بر این، چنانکه بیان شد، در تزیینات داخلی که به نظر می‌آید همانند بناهای هم‌دوره خود عمدتاً آجری بوده، در مرمت نهایی با رسمی بندی و کاربندی با گچ، فضای داخلی مقرنس کاری شده و در وسط گنبد از داخل، نقش شمسه شانزده وجهی در مرکز اجرا شده است. در آثاری چون مسجد فرح آباد، پوشش زیرین، رسمی بندی و باربر و پوشش بالایی به صورت شیروانی برای محافظت سقف زیرین در برابر نزولات جوی اجرا شده است (فرشچی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۱، ۱۲۸) و از این جهت نمونه‌ای قابل مقایسه با رسمی بندی زیر گنبد بقعه شیخ ابواسحاق می‌باشد. (تصاویر ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹) به این ترتیب مجموعه مرشدیه کارکردهای گوناگونی شامل مسجد، خانقاه و تحت السراج داشت که خدمات مختلفی در راستای اهداف شیخ ابواسحاق ارائه می‌داد.

۱. مسجد تاریخی فرح آباد، میراث ارزشمندی است که در دوره شاه عباس صفوی (حک. ۱۰۳۸-۹۹۶ ق) در حدود سال ۱۰۲۵ ق احداث گردید. این مسجد در فاصله ۲۵ کیلومتری ساری و ۲ کیلومتری دریای خزر واقع شده است (امامی میان پشته؛ شریف خطیبی، ۱۳۹۴: ۳).



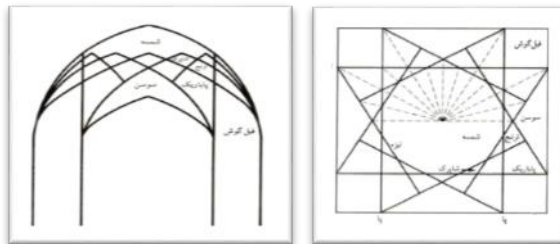
تصویر ۹. نماهایی از کاربندی زیر گنبد بقعه شیخ ابواسحاق

مأخذ: نگارنده



تصویر ۱۰. ترسیم کاربندی زیر گنبد بقعه شیخ ابواسحاق

مأخذ: نگارنده



تصویر ۱۱. آلت‌های رسمی کاربندی در نما و نقشه

مأخذ: نگارنده



تصویر ۱۲. کاربندی زیر گنبد مسجد فرح آباد

مأخذ: فرشچی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲

نتیجه گیری

گرایشات متصوّفانه در میان مسلمانان، در ابتدا به صورت انفرادی و سازمان نیافته به وجود آمد و به تدریج به شکل طریقت‌های عرفانی سازمان یافته و منسجم درآمد. این طریقت‌ها از طریق مراکز خاص و تحت تعالیم مرشد، به فعالیت می‌پرداختند. از معروفترین طریقت‌های سازماندهی شده، طریقت مرشدیه معروف به کازرونیه یا اسحاقیه می‌باشد که متعلق به شیخ ابواسحاق کازرونی است. شیخ ابواسحاق، از بزرگان صوفیه نیمه دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم در کازرون بود. وی، پس از تحصیل نزد مشایخ و عارفان بزرگ آن زمان، وارد طریقت ابوعبدالله محمدبن خفیف از صوفیان بزرگ شیراز شد؛ چرا که رویکرد عملی این طریقت در دو بخش مذهبی و اجتماعی یعنی ترویج دین اسلام و دستگیری از نیازمندان و مسافران را بیشتر منطبق با عقاید خود می‌دید. در این راستا مجموعه مرشدیه را در شهر کازرون بنیان نهاد. این مجموعه، نمونه‌ای با ارزش در تاریخ معماری اسلامی به شمار می‌رود و بنایی با کارکردهای چندگانه شامل مسجد جامع، خانقاه و تحت السراج (اقامتگاه مریدان غریب) بود که تأثیر بسیاری در رونق و گسترش شهر کازرون فعلی داشت. بعدها مقبره شیخ ابواسحاق نیز به این مجموعه افزوده شد و اهمیت آن را بیشتر کرد؛ سپس این مجموعه، در قرن هشتم هجری، توسط یکی از پیروان شیخ ابواسحاق به نام شیخ امین‌الدین بلیانی، در راستای اکرام شیخ ابواسحاق و رفاه حال مردم، بازسازی و توسعه یافت و بناهایی از قبیل؛ سقایه مرشدی، دارالشفای مرشدی، دارالحدیث شمسیه و دارالعابدین به آن اضافه شد. ساخت بناهای عام‌المنفعه در کنار مجتمع آرامگاهی ریشه در ماهیت اجتماعی تصوف اسلامی یعنی نیکویی و احسان به مردم دارد که از ارزش بالای اخلاقی و ذاتی دین اسلام برخاسته است. علاوه بر این، گسترش چنین مجموعه‌هایی، ارتباط

مستقیمی با اعتبار و احترام صاحب مدفن و تقدس وی دارد و همواره بصورت زیارتگاه، مورد علاقه مردم بود. در حال حاضر، مقبره شیخ ابواسحاق، تنها اثر باقیمانده از مجموعه مرشدیه است که در محله گنج آباد کازرون (مرکز میراث فرهنگی کازرون است) قرار دارد. این مقبره، به دلیل شکل و ساختار معماری ویژه خود و همچنین ارتباط آن با رفتارهای آیینی، قابل توجه است. ساختار معماری ایرانی و مهندسی حساب شده بنا، استفاده از کاربردی‌های کاربردی و تزئینی منحصر به فرد با گچ‌کاری و موقعیت قرارگیری مقبره از ویژگی‌های شاخص این بنا می‌باشد.

کتابنامه

- ابن عثمان. محمود (۱۳۵۸). فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه (سیرت‌نامه شیخ ابواسحاق کازرونی). به کوشش ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.
- ابن عثمان. محمود (۱۳۸۰). مفتاح الهدایه و مصباح العنایه (سیرت‌نامه سید امین الدین بلیانی). تصحیح منوچهر مظفریان، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ابن بلخی (۱۳۷۴). فارس‌نامه ابن بلخی. مصحح لسترنج و نیکلسن، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ابن جنید شیرازی. عیسی (۱۳۶۴). تذکره هزار مزار (ترجمه شدالازار). بتصحیح نورانی وصال، شیراز: کتابخانه احمدی شیراز.
- ابن عثمان. محمود (۱۳۳۳). فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه (سیرت‌نامه شیخ ابواسحاق کازرونی). به کوشش ایرج افشار، تهران: کتابخانه دانش.
- اصطخری. ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰). المسالک و الممالک. به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افشار. ایرج (۱۳۵۸). "سندی درباره بقعه شیخ مرشد کازرونی"، آینده، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۳۷-۱۴۷.
- امامی میان پشته، یگانه و شریف خطیبی، سودابه (۱۳۹۴). «بررسی ریخت‌شناسی مسجد فرح‌آباد ساری در مقایسه با مسجد امام اصفهان». کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز، صص ۱۱-۱.

- اوحدی بلیانی. تقی‌الدین محمدبن محمد (۱۳۸۹). عرفات العاشقین و عرصات العارفين، تصحيح ذبيح الله صاحبکاري و آمنه فخر احمد، تهران: ميراث مکتوب، ج ۱.
- بهروزی، علی نقی (۱۳۳۸). «مسجد شيخ مرشد و آرامگاه شيخ. روزنامه پارس»، شماره ۴۳۵۹، ۱۳۵۹/۲/۲۵ و ۴۳۷۴، ۱۳۵۹/۴/۲۶.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین غلام حسین معماریان، تهران: سروش دانش. تبریزی، محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان (۱۳۶۲). برهان قاطع. به اهتمام دکتر محمد معین، تهران: امیرکبیر. ج ۴.
- جامی. عبدالرحمن بن احمد (۱۳۸۶). نفحات الانس من حضرات القدس. به کوشش مهدی توحیدی پور، تهران: سعدی.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۹). معماری اسلامی ایرانی در دوره سلجوقیان. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حسینی یزدی، سید رکن‌الدین (۱۳۴۱). جامع الخیرات (وقفنامه سید رکن‌الدین حسینی یزدی). به کوشش محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران: بی نا.
- حکم آستانه شیخ ابواسحاق کازرونی. سازمان اسناد ملی ایران، شماره ۸۲۶.
- خواندمیر. غیاث‌الدین بن همادالدین‌الحسینی (۱۳۵۳). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر. تهران: کتابفروشی خیام. ج ۲.
- خیراندیش، عبدالرسول، رحیمی جابری، اعظم (۱۳۹۸)، "شکل‌گیری و گسترش خانقاه‌های مرشدیه در هند و چین (سده هشتم هجری)، تاریخ اسلام، سال بیستم، بهار، شماره هفتاد و هفتم، صص ۲۱۹ - ۲۶۶.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران. ج ۱۴.
- الدیلمی. ابوالحسن (۱۳۶۳). سیرت الشيخ الكبير ابو عبدالله ابن الخفيف الشيرازي. ترجمه رکن‌الدین یحیی بن جنید الشیرازی، به کوشش شیمیل طاری، تهران: بابک.
- رحیمی جابری، اعظم (۱۳۹۷)، "نقش شیخ ابواسحاق کازرونی در گسترش اسلام در کازرون (نیمه دوم قرن چهارم تا اوایل قرن پنجم هجری)"، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳، صص ۱۱ - ۲۶.
- رسولی، هوشنگ (۱۳۸۴). تاریخچه و شیوه‌های معماری در ایران. تهران: پشتون.

- روستا، جمشید (۱۳۹۶)، «واکوی جایگاه خواجه اتابک علاءالدین و اتابک قطب‌الدین محمد در کرمان گشته و حال»، مجله مطالعات ایرانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان، صص ۸۳-۹۹.
- زکوب شیرازی. ابوالعباس معین‌الدین احمد بن شهاب‌الدین ابی‌الخیر (۱۳۵۰). شیرازنامه. به کوشش اسماعیل واعظ جوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- زرین کوب. عبدالحسین (۱۳۸۵). جستجو در تصوّف ایران. تهران: امیرکبیر.
- شرف‌الدین ابراهیم (۱۳۴۹). تحفه اهل العرفان. به کوشش جواد نور بخش، تهران: خانقاه نعمت‌اللهی.
- شمس، محمد جواد (۱۳۷۶). «خاندان بلیانی». معارف، دوره چهاردهم، شماره ۲، صص ۲۵۰-۲۱۸.
- عطارنیشابوری. فریدالدین (۱۳۸۳). تذکره الاولیاء. تصحیح: رینولد آلن نیکلسون، بازنگاری: ع. روح بخشان، تهران: انتشارات اساطیر.
- عمر مرشدی. شمس‌الدین محمد بن سلیمان (۱۳۸۳). معدن‌الدرر فی سیره الشیخ حاجی عمر، به تصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی، تهران: کازرونیه.
- فرشچی، حمید رضا. دانایی نیا، احمد و اشرفی، احمد، (۱۳۹۵). «نظام هندسی زمینه‌های رسمی بندی یک پا، برگرفته از دایره محیطی». دو فصلنامه مرمت و معماری ایران، سال ششم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان، صص ۱۳۸-۱۲۷.
- فرهنگ جغرافیایی ایران. (۱۳۳۰). تهران: چاپخانه ارتش. ج ۷.
- کاوتس. رالف، (۱۳۹۲). «شبکه کازرونی»، چشم اندازهایی از جاده‌ی ابریشم دریایی. مترجمان محمد باقر وثوقی و پریسا صیادی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، صص ۸۶-۷۵.
- کیانی. محسن (۱۳۶۹). تاریخ خانقاه در ایران. تهران: طهوری.
- لاله، هایده، شیخ‌الحمای، عمادالدین (۱۳۸۷). «بناهای معروف به ابواسحاقیه در ایران و سرزمین‌های اسلامی» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسان دانشگاه تهران، شماره دوم، دوره ۱۳، صص ۱۳۱-۱۱۱.
- محمدی، جمال؛ همکاران (۱۳۹۵)، «تحلیل فضایی و مکان‌یابی جایگاه‌های سوخت‌گیری شهر کازرون»، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، بهار، صص ۱۰۵-۱۲۰.
- مُدّرس. میرزا محمد علی (بی تا). ریحانه‌الادب. تبریز: چاپخانه شفق. ج ۷.
- مستوفی قزوینی. حمدالله (۱۳۳۶). نزه القلوب. به اهتمام محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.
- مستوفی قزوینی. حمدالله (۱۳۳۹). تاریخ گزیده. بتصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.

مقدسی. ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران. ج ۲.

میر، محمد تقی (۱۳۶۸). بزرگان نامی پارس. شیراز: دانشگاه شیراز. ج ۱.

نسوی. شهاب الدین محمد خرندزی زیدری (۱۳۴۴). سیرت جلال الدین مینکبرنی. تصحیح مجتبی مینوی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

وصاف الحضرة شیرازی. فضل الدین بن عبدالله (۱۳۴۶). تحریر تاریخ وصاف. به قلم عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

هدایت. رضاقلی (۱۳۱۶). ریاض العارفين. تهران: کتابفروشی مهدیه.

Arberry.A.J.(1950). "The Biography of shaikh Abu Ishaq al-kazaruni",Orient3, pp.163-182.